

گزارشی از مراسم روز کومه‌له در استکهلم

مراسم گرامیداشت ۲۶ بهمن - روز کومه‌له - شامگاه روز شنبه ۱۴ فوریه با حضور نمایندگان سازمانها و احزاب سیاسی کردستانی و ایرانی، و صدها تن از دوستان کومه‌له، جنبش انقلابی کردستان و جنبش کارگری ایران برگزار شد.

ابتداء مجریان برنامه رفقا گلاویز حسینی و محمد کمالی ضمن خوش آمد گوئی به شرکت کنندگان در مراسم، فهرست برنامه‌های مراسم را به اطلاع حضار رساندند. رفیق کمالی با یاد آوری حادثه تروریستی هه‌ولیر یکبار دیگر با مردم کردستان عراق، خانواده قربانیان و اتحادیه میهنی کردستان و حزب دموکرات کردستان عراق ابراز همدردی کرد.

مراسم با اجرای سرود انترناسیونال با صدای گرم رفیق کالی آتشین و رعایت یک دقیقه سکوت در گرامیداشت یاد و خاطره جانبازان راه آزادی و سوسیالیسم آغاز شد. کالی با سرود بیاد جانبازان سکوت را شکست. سپس رفیق کمالی با دکلمه قطعه شعری بنام سفر برنامه را ادامه داد.

سخنران مراسم روز کومه‌له در استکهلم رفیق صلاح مازوجی عضو کمیته مرکزی کومه‌له و حزب کمونیست ایران بود که در سخنانی مشروح ضمن خوش آمد گوئی به شرکت کنندگان سخنرانی‌اش را آغاز کرد.

رفیق صلاح ضمن خوش آمد گوئی به حضار اظهار داشت که : امروز که جمع زیادی از رفقا و دوستان قدیمی کومه‌له برای گرامیداشت سالروز اعلام موجودیت علنی این تشکیلات که همزمان بود با جانبازان رفیق محمد حسین کریمی یکی از بنیان‌گذاران کومه‌له به دور هم گرد آمده‌ایم ، جا دارد که یاد رفیق محمد حسین و همه انقلابیون کمونیست را که در صفوف کومه‌له و حزب کمونیست ایران و یا در بیرون از صفوف جریان ما در راه آزادی و برابری انسانها جان باخته اند را گرامی بداریم و همچنین گرامی بداریم آن مادران، پدران، خواهران و برادرانی را که در راه آرمان والای عزیزانشان رنج‌ها تحمل کرده‌اند.

رفیق صلاح در ادامه سخنان خود به بررسی اوضاع سیاسی ایران پرداخت و اظهار داشت که:

اوضاع ایران در حال تغییر و تحول است. امروز در تحلیل اوضاع سیاسی ایران دو فاکتور و ویژگی باید در نظر گرفته شوند. یکی بحران و بن بست سیاسی است که اصلاح طلبان درون حاکمیت با آن گرفتار آمده‌اند، که به بارزترین نحو خود را در پروسه "انتخابات" مجلس، تحمّن و سرانجام کناره گیری بیش از صد نفر از نمایندگان مجلس نشان داد، و دوم نقش فعالانه‌تر دولتهای غرب و آمریکا است برای تاثیر گذاشتن بر روند اوضاع در ایران . بدون شک این فاکتورها بر چگونگی صف‌آرایی بورژوازی ایران چه در داخل حاکمیت و چه در درون صفوف اپوزیسیون تاثیر خواهد گذاشت.

در ماه‌های گذشته با تشدید فشارهای غرب و آمریکا بر جمهوری اسلامی و همینکه جناح محافظه کار توانست ابتکار عمل سیاست خارجی را در دست بگیرد، در عرصه داخلی نیز جناح رقیب خود را از میدان رقابت انتخاباتی حذف کرد و با وحشیگری بیشتری اعتراض کارگران را به خون کشید.

اما اگر شگردهای جناح محافظه کار می تواند توازن قوای جناحها در درون حاکمیت را به نفع آنان تغییر دهد، از طرف دیگر بحران مشروعیت جمهوری اسلامی را تشدید می‌کند. اما تضعیف و یا حذف اصلاح طلبان در درون حاکمیت به معنای پایان عمر جنبش اصلاحات بورژوازی نیست، جمهوری اسلامی بدون اصلاح طلبان هم راه و انتخابی جز ایجاد برخی اصلاحات در نظام سیاسی، قضایی و حقوقی به نفع بورژوازی ایران ندارد.

اما همانطور که بارها گفته‌ایم، ماهیت این اصلاحات سرمایه دارانه است ، این اصلاحات نه جامعه ایران را دموکراتیزه می‌کند و نه نانی به سفره کارگران و مردم تهیدست اضافه می‌کند.

روشن است که این تحولات بر صفوف اپوزیسیون بورژوازی ایران هم تاثیر می‌گذارد، در اینجا منظورم سلطنت طلبان

و مشروطه خواهان نیستند، اکنون که منتفی بودن حمله آمریکا به ایران برای همگان روشن شده است، اینها هیچ شانس برای رسیدن به قدرت ندارند.

منظورم بیشتر اپوزیسیون بورژوازی لیبرال ایران است، جمهوری خواهان و نیروهایی که به دور آنان گرد آمده اند.

اینها که اثراتری سیاسی شان اصلاح جمهوری اسلامی از طریق پشتیبانی از اصلاح طلبان حکومتی و از راه مکانیسم های انتخاباتی بود، اکنون که اصلاح طلبان حکومتی شکست خورده اند و مشروعیت مکانیسم انتخاباتی در جمهوری اسلامی بیش از هر زمان دیگر زیر سؤال رفته است با مشکل روبرو شده اند.

این بخش از اپوزیسیون که شعار رفرا ندوم را بر افراشته اند، در واقع می خواهند با اتکا به فشارهای غرب و آمریکا، زمینه بند و بست با رژیم جمهوری اسلامی را فراهم آورند و از این راه دخالت مستقیم توده های مردم را دور بزنند. شعار رفرا ندوم در واقع اسم رمز مخالفت با انقلاب توده های مردم است.

به این ترتیب تمام تحولات چند سال گذشته این واقعیت را به ما نشان می دهد که نه تنها سرنگونی جمهوری اسلامی بلکه ایجاد کوچکترین رفرم در زندگی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی طبقه کارگر و توده های مردم بدون حضور متشکل طبقه کارگر در تشکلهای طبقاتی خودش و بدون جنبش سوسیالیستی این طبقه امکان پذیر نیست. و تنها در چنین صورتی است که که جنبش دانشجویی و جوانان، جنبش زنان و دیگر جنبش های اجتماعی جایگاه واقعی خود را در جنبش آزادیخواهانه ایران باز می یابند.

در مورد کردستان ایران باید گفت که جنبش اصلاحات بورژوازی از همان ابتدا جنبش انقلابی کردستان را مانعی در مقابل پیشبرد پروژه های خود دانسته و برای زیر پا خالی کردن این جنبش تلاش کرده است.

جنبش اصلاحات در رابطه با وجود ستم ملی در کردستان تلاش کرده است تا مطالبه سیاسی مردم کردستان را برای ایجاد شرایطی که در آن بتوانند آزادانه سرنوشت سیاسی خود را تعیین نمایند تا چند خواست فرهنگی و اصلاحاتی در ساختار اداری و شرکت دادن بورژوازی کرد در اداره امور تنزل دهد. علیرغم همه این تلاشها امروز می توان گفت که تلاشهای جریان اصلاح طلبی در شکل رسمی و دولتی اش شکست خورده است.

اما جنبش اصلاح طلبانه و لیبرالی در خارج از حکومت و با اتکا به پایه مادی که در کردستان دارند می خواهند این حرکت را بازسازی کنند. اهداف اینها این است که جنبش انقلابی کردستان را از ماهیت انقلابی خالی و آن را به ضمیمه سیاسیتهای خودشان برای تثبیت حاکمیت بورژوازی ایران تبدیل کنند.

هم بورژوازی کردستان در شهرها و هم افشاری از روشنفکران کرد که تحت تاثیر فضای روشنفکری لیبرالی در ایران قرار دارند، پایه مادی این حرکت هستند و تلاش می کنند تا با روشهای لیبرالی و با ساخت و پاخت با دولت مرکزی موانع سر راه فعالیت فرهنگی را از سر راه خود بردارند. سرمایه داران کرد هم از این راه وارد قدرت سیاسی شوند.

این جریان لیبرالی بویژه در شرایط کنونی که مبارزه مسلحانه با محدودیت های زیادی روبرو شده است، تلاش می کند که این محدودیت را به اهرم فشاری بر روی ناسیونالیسم سنتی در کردستان تبدیل کند و با صحبت کردن از اهمیت مبارزه مسالمت آمیز، جنایات جمهوری اسلامی در کردستان را تظہیر کرده و حقانیت تاکتیک مبارزه مسلحانه در جنبش کردستان را زیر سؤال ببرند.

در مقابل همه این تلاشها کومه له باید با شرکت فعالانه در همه لحظات جنبش انقلابی کردستان و ارتقا سطح توقع کارگران و توده های مردم در همه عرصه های مبارزه ، تلاشهای بورژوازی ایران و کردستان را برای به انحراف کشیدن جنبش انقلابی کردستان عقیم بگذارد.

رفیق صلاح در ادامه سخنان خود به بررسی مهمترین مسائل سیاسی کردستان عراق پرداخت و اظهار داشت :

وضعیتی که امروز در منطقه و بویژه در عراق پیش آمده است کاملا قابل پیش بینی بود. رژیم دیکتاتوری صدام سرنگون شد اما دولت آمریکا و شورای حکومتی عراق ، نه تنها دموکراسی برای عراق به ارمغان نیاوردند بلکه پاسخی هم برای خواستها و امیال توده های مردم که در دوران دیکتاتوری بعث به وحشیانه ترین شیوه سرکوب شده بودند ندارند. نه تنها از امنیت در عراق خبری نیست بلکه آمریکائیان حتی نتوانسته اند امنیت نیروهای خودشان را هم تامین کنند. امروز نه تنها از دولت سکولاری که آمریکائیه ها وعده آن را داده بودند خبری نیست بلکه این جریانات مذهبی شیعه که به کمک جمهوری اسلامی ایران هر روز بیشتر خود را سازمان می دهند و جریانات

تروریستی اسلام سیاسی هستند که به میدان دار صحنه سیاسی عراق تبدیل شده‌اند. این نیروها از ناراضی عمومی که از اشغالگری نیروهای آمریکایی وجود دارد تغذیه می‌کنند، نیرو می‌گیرند و در فقدان یک آلترناتیو رادیکال و سوسیالیستی به میداندار اعتراض علیه امریکا تبدیل شده‌اند در حالی که هیچ افق روشنی برای آینده عراق ندارند.

.....

برای پایان دادن به اشغالگری آمریکا و رسیدن به خواستها و مطالبات مردم باید مبارزه ترقی خواهانه و آزادی خواهانه را سازمان داد، صف این مبارزه نه تنها باید صف خود را از صف جریانات تروریست اسلامی جدا کند بلکه باید ماهیت این جریانات را برای مردمی که خواهان بیرون رفتن نیروهای آمریکایی هستند روشن کند. هیچ درجه از مخالفت با سیاستهای آمریکای ارتجاعی دستجات تروریستی را توجیه نمی‌کند. این تروریسم دولتی اسرائیل، سیاستهای میلیتاریستی آمریکا و همپیمانی با آمریکا و محرومیت و سیه روزی مردم است که در اینجا و آنجا زمینه ادامه حیات این جریانات را فراهم آورده است. اینها هر جا که امکان پیدا کنند همان جنایتی را می‌آفرینند که دو هفته پیش در هه‌ولیر آفریدند که هر انسان آزاده آن را محکوم می‌کند. البته نباید فراموش کرد که تلفات سیاسی این اعمال تروریستی از تلفات جانی آن کمتر نیست. این اعمال تروریستی توده‌های مردم را به حاشیه مبارزه سیاسی می‌راند.

اما برای مبارزه با اینها نباید دست به دامان آیات و احکام اسلامی شد و بیهوده تلاش کرد تا مغایرت تروریسم را با اسلام نشان داد، باید تروریسم این جریانات اسلامی را به مثابه یک حرکت سیاسی بشناسیم، زمینه‌های مادی ادامه حیات این جریانات را در جامعه بشناسیم و برای خشکاندن ریشه‌های آن تلاش کنیم.

سپس رفیق صلاح با اشاره مشروح به سیاستها و عملکرد شورای حکومتی عراق، آمریکا و دولتهای منطقه در برخورد به مطالبات عادلانه مردم کردستان عراق سخنان خود را چنین ادامه داد:

آنچه در شرایط کنونی به حل مسئله ملی در کردستان کمک می‌کند تلاش برای ایجاد شرایطی است که مردم کردستان بتوانند آزادانه و بدون فشار مستقیم و یا غیر مستقیم اراده و تصمیم خودشان را برای تعیین سرنوشت خود ابراز دارند. برای تامین همچون شرایطی، آزادی بدون قید و شرط سیاسی، آزادی فعالیت احزاب، آزادی برپایی تشکلهای توده‌ای، و آزادی بیان و مطبوعات ... باید تضمین گردند، و در ادامه همچون پروسه‌ای مردم می‌توانند به پای یک فراندوم و همه‌پرسی عمومی بیایند و طی آن به این سؤال پاسخ دهند که آیا میخواهند در چهار چوب عراق با تضمین حقوق‌شان در تمام زمینه‌ها بمانند یا اینکه می‌خواهند جدا شوند و دولت مستقل خودشان را تشکیل دهند.

اما اگر صحبت از برگزاری فراندوم در شرایط کنونی است باید محدودیت‌های آن و شرایطی را که فراندوم در آن برگزار می‌شود را به روشنی برای مردم توضیح داد. باید بدانیم که فراندوم اکنون در شرایطی برگزار می‌شود که دولت مرکزی بنا به ماهیت طبقاتی که دارد یک دولت دموکراتیک نیست و از هم‌اکنون برای همه روشن است که اکثریت شورای حکومتی عراق به اراده و تصمیم مردم در این فراندوم احترام نمی‌گذارد. از طرف دیگر آمریکا که شاه‌رگ اقتصاد و حاکمیت عراق را در دست دارد با حل دموکراتیک مسئله کردها ضدیدت می‌ورزد، دولت ترکیه تهدید به حمله نظامی می‌کند، و جمهوری اسلامی ایران با کمک شبکه‌های تروریستی اش مشغول توطئه چینی است. در شرایط کنونی همه این فشارها و محدودیت‌ها بر فکر مردم سنگینی می‌کند و آزادی واقعی را از آنها سلب می‌کند.

با توجه به این فشارهای واقعی و محدودیت‌هایی که وجود دارد، فراندوم در شرایط کنونی هر نتیجه‌ای داشته باشد به معنای حل مسئله ملی در کردستان عراق نیست، تازه اگر فراندومی صورت بگیرد مردم کردستان یک دوره مبارزه سیاسی برای خنثی کردن فشارهای موجود و تحقق تصمیم و اراده‌ای که در فراندوم اعلام کرده‌اند در پیش خواهند داشت. بنابراین بجای کشاندن مردم به پای یک فراندوم زودرس بایستی برای تحقق شرایطی مبارزه کرد که امکان برگزاری یک فراندوم واقعی را فراهم میسازد.

برای حل دموکراتیک مسئله ملی در کردستان عراق، طبقه کارگر و مردم زحمتکش که اکثریت عظیم جامعه کردستان را تشکیل می‌دهند باید در صحنه مبارزه سیاسی حضور فعال داشته باشند. اما این توده عظیم را نمی‌توان تنها به امید کردستان مستقل و یا فدراتیو که بهبود وضعیت زندگی آنان در گرو توازن قوای طبقاتی است به صحنه مبارزه سیاسی آورد، بنا براین مبارزه سیاسی برای حل دموکراتیک مسئله ملی در کردستان و خنثی کردن

فشارهایی که بدان اشاره شد باید دوش بدوش مبارزه برای بهبود وضعیت زندگی، حقوق اجتماعی پایمال شده و دیگر خواسته‌های دموکراتیک این توده عظیم پیش برود. چنین مبارزه‌ای نه تنها حل دموکراتیک مسئله ملی در کردستان بلکه بهبود وضعیت زندگی اکثریت مردم در آینده این جامعه را تضمین می‌کند. و این از نظر ما پایه یک استراتژی رادیکال و واقعینانه برای حل دموکراتیک مسئله ملی در کردستان عراق است.

بدنبال سخنان رفیق صلاح ، رفیق کالی سرود کاک فواد را اجراء کرد و سپس رفیق محمد کمالی در گرامیداشت جانبختگان صفوف کومه‌له نثر زیبائی را قرائت کرد.

در این بخش از برنامه اسامی احزاب و سازمانهایی که به مراسم روز کومه‌له پیام فرستاده بودند، قرائت شد.

- حزب دموکرات کردستان ایران - کمیته سوئد

- کمیته تشکیلاتهای اتحادیه میهنی کردستان در سوئد.

- حزب دموکرات کردستان عراق - سوئد.

- جنبش پایه‌گذاری حزب کارگران کمونیست عراق

- اتحاد سوسیالیستی کارگری

- اتحاد فدائیان کمونیست

- اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ - واحد استکهلم.

- سازمان فدائیان اقلیت

- کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید) واحد سوئد

- حزب رنجبران ایران

- حزب کار ایران - توفان

- هسته اقلیت

- سازمان هواداران چریکهای فدائی خلق ایران در سوئد.

بدنبال استراحتی اندک بخش دوم برنامه‌های امشب که برنامه‌ائی هنری بود با حضور یک گروه آمریکای لاتینی، گروه شوهاز و هنرمند جوان و سرشناس کرد، پیوند جاف و گروه همراه و دیلمان دیو، بمدت چند ساعت ادامه داشت.

در فواصل برنامه‌ها پخش اسلاید و سرودهای انقلابی که یاد آور روزهای شکوهمند پیوند عمیق کومه‌له با کارگران و زحمتکشان در شهر روستاهای کردستان بود، زینت بخش برنامه‌های امشب بود.

کمیته برگزاری مراسم روز کومه‌له در استکهلم.